

تاثیر بی‌انضباطی مالی دولت در رشد اقتصادی

حیدر عیسی حسن المسعودی^۱، مریم امامی میبدی^۲*

چکیده

انضباط مالی و چگونگی هزینه کردن بودجه در سطح کلان‌کشوری از مفاهیمی که در مسائل کلان‌مالی اهمیت به‌سزایی دارد. این مهم در کشورهای نفتی اهمیت خاصی دارد. در اکثر تحقیقات به بررسی انضباط مالی پرداخته شده است. اما در این تحقیق سعی شده با دیدگاهی جدید از منظر بررسی بی‌انضباطی مالی دولت فرضیه‌های تحقیق بررسی شود. بر این اساس، هدف اصلی این پژوهش ارزیابی عوامل موثر بر بی‌انضباط مالی دولت و همچنین تاثیر بی‌انضباط مالی دولت در رشد اقتصادی عراق طی دوره ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۱ بوده، که برای برآورد مدل - های تحقیق از روش خود گرسسیون با وقفه گسترده (ARDL) استفاده شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که، تاثیر حجم دولت بر بی‌انضباطی مالی دولت کشور عراق مثبت و معنی‌داری است، بنابراین، کاهش حجم دولت می‌تواند کاهش بی‌انضباطی مالی دولت را سبب گردد. از طرفی، نتایج کوتاه مدت و بلند مدت تخمین مدل تحقیق مبین آن است که، ارتباط منفی و معنی‌داری ما بین بی‌انضباطی مالی - دولت و رشد اقتصادی است. لذا، برای ثبات در رشد مستمر حتما باید بی‌انضباطی مالی دولت مهار شود. بهتر است، باتوجه به اثر کاهندگی درآمد های مالیاتی نسبت به درآمد های نفتی بر بی‌انضباطی مالی دولت و توجه به رشد پویا در کشور عراق، برنامه های توسعه اقتصادی کشور عراق بر پایه گسترش استفاده از منبع درآمد مالیاتی و کاهش حجم دولت طرح ریزی شود.

واژگان کلیدی: بی‌انضباطی مالی، رشد اقتصادی، بودجه دولت

طبقه بندی JEL: O_{47} , O_{21} , H_{68} , H_{12} .

^۱ - دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه اقتصاد، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

stuid39917520958027@khuisf.ac.ir

^۲ - استادیار، گروه حسابداری، واحد شاهین شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهین شهر، ایران. (نویسنده مسئول) m.emami@shaiu.ac.ir

۱-مقدمه

یکی از مفاهیمی که در مسائل خرد و کلان مالی معنا پیدا می‌کند، انضباط مالی و چگونگی هزینه‌کردن بودجه، چه در سطح خانوار و چه در سطح کلان‌کشوری است. وجود انضباط مالی و مدیریت هزینه‌ها عامل مهمی در کارآمدی و ایجاد تعادل، رشد و توسعه اقتصادی در شرایط مختلف است. از نظر سیاسی نیز انضباط مالی باعث بهبود توانایی دولت برای هدایت برنامه‌های مختلف می‌شود و به دلیل جلوگیری از اسراف، افزایش اعتبار دولت و اعتماد مردم را نسبت به مسئولان در پی خواهد داشت (یزدانمهر و کشاورز، ۱۳۹۶).

در سال‌های گذشته، چشم‌انداز بلندمدت انضباط مالی در بودجه و آثار آن بر رشد اقتصادی به‌طور قابل توجهی مورد توجه بوده است. بین انضباط مالی بلندمدت و رشد و عملکرد اقتصادی از دو طریق ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. اول، براساس قریب به-اتفاق تحقیقات اقتصادی، کاهش مازادبودجه یا افزایش کسری بودجه، پس‌انداز ملی را کاهش می‌دهد و در نتیجه درآمد ملی آینده را کاهش می‌دهد. دوم همبستگی‌های ساده در مدل‌های اقتصاد کلان نشان‌دهنده آن است که افزایش کسری بودجه، نرخ بهره بلندمدت را افزایش می‌دهد. براساس مطالعات انجام‌شده در کشور آمریکا، برآورد صورت گرفته نشان می‌دهد که افزایش کسری-بودجه تنها به‌اندازه ۱ درصد تولید ناخالص داخلی، نرخ بهره بلندمدت را بین ۵۰ تا ۱۰۰ افزایش می‌دهد. نتایج مبین آن است که، هزینه‌های افزایش کسری در بلندمدت قابل توجه است. بنابراین، هزینه‌های افزایش کسری باید به‌دقت با مزایای بالقوه برنامه‌های مالیاتی مقایسه شود، تا منجر به کسری‌های بلندمدت بزرگ‌تر و کاهش رشد اقتصادی نشوند (گیل و ارسزاگ^۱، ۲۰۰۳).

انضباط مالی به معنی برابری تمام درآمدها و هزینه‌های عمومی و حفظ محتاطانه سطح بدهی‌ها و کسری بودجه تعریف شده است. از طرفی، در بعد کلان، شاخص بی‌انضباطی مالی با یکی از سه شاخص نسبت عمومی هزینه به تولید ناخالص، نسبت کسری بودجه به تولید ناخالص داخلی و یا نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی اندازه‌گیری می‌شود (بوراک^۲، ۲۰۱۷). به طوری که، پیش‌بینی قابل اعتماد از درآمدها و کنترل هزینه‌ها به‌منظور کنترل و محدود کردن کسری بودجه، محور اصلی انضباط مالی (بودجه‌ای) دولت است. از سوی دیگر اگر نتوان پولی را شمارش کرد، نمی‌توان آن پول را به مصرف معینی تخصیص داد و به‌گونه‌ای باصرفه هزینه کرد. بنابراین، لازم است، دولت به‌همان میزانی که می‌تواند درآمد از اقتصاد ملی کسب کند، هزینه کند و با مهار هزینه‌ها، کسری-بودجه را کنترل کند (محمدی‌پور و همکاران، ۱۳۹۲).

به‌طور کلی، در یک رویکرد نظری دولت به‌عنوان نهاد مهمی از اقتصاد کلان، نیازمند برنامه مالی برای پیش‌بینی درآمدها و هزینه‌ها است. چرا که، انحراف درآمدها و هزینه‌ها از اندازه‌های پیش‌بینی شده می‌تواند بی‌انضباطی مالی باشد. این بی‌انضباطی می‌تواند ناشی از حجم بزرگ دولت، نبود انگیزه کافی، عدم برخورد جدی و عدم پاسخگویی و نظارت در سیستم‌های مالی کشور باشد و پیامدهایی نظیر تورم، بیکاری، فساد، نوسانات اقتصادی، افزایش نااطمینانی، مختل شدن جریان نقدینگی بنگاه‌ها، انتقال بدهی به تأمین‌کنندگان و دیگر طلبکاران و روبه‌رو شدن با جریمه تأخیر را به‌دنبال داشته باشد (عظیمی، ۱۳۹۵). با توجه به این مطالب برای جلوگیری از بی‌انضباطی مالی لازم است، معیارهایی شناسایی و مورد توجه قرار گیرد، از جمله؛ معیارهای مناسب برای دستیابی به انضباط مالی، تحلیل مستمر هزینه و فایده تمام برنامه‌ها و فعالیت‌ها به‌منظور اطمینان از ایجاد حداکثر نفع اجتماعی و جلوگیری از

^۱-Gale et al

^۲- Burak

اسراف است. بی‌انضباطی مالی، اتلاف منابع و کاهش کارایی و توانایی دولت برای هدایت برنامه‌های مختلف توسعه اقتصادی را در پی خواهد داشت. همچنین در شرایطی که دولت ناچار به استقراض از نظام بانکی است، هر گونه صرفه جویی مالی به صورت مستقیم در کاهش بدهی دولت و در نتیجه در کاهش میزان تورم و افزایش رشد اقتصادی مؤثر خواهد بود. از نظر سیاسی نیز ایجاد انضباط مالی و جلوگیری از هر گونه اسراف و بی‌بند و باری مالی یکی از مهمترین انتظارات مردم از مسئولان و مقامات عالی رتبه دولتی است (مرامی و محمدی، ۱۳۹۴).

اهمیت انضباط مالی از دو دیدگاه کلان و خرد قابل تأمل و بررسی است: ۱) دیدگاه کلان که در آن دولت، مقامات دولتی و بانک مرکزی، و دستگاه‌ها و مؤسسات دولتی موظف به اجرای انضباط مالی در تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب سیاست‌های پولی و مالی در سطح کشوری هستند که این موارد در کشورهای دارای منابع نفتی هم‌مانند کشور عراق اهمیت ویژه‌ای دارد. رعایت سقف پیش‌بینی شده برای کل مخارج بخش عمومی در چارچوب درآمدهای قابل تحقق در یک دوره مالی و تقسیم بهینه بودجه بین برنامه‌های مختلف است، که توسط دستگاه‌ها و مؤسسات دولتی اجرا می‌شود. بنابراین، منظور از انضباط مالی، صرفاً توازن بودجه عمومی دولت نیست. بلکه، منظور بی‌نیازی به استقراض توسط بخش عمومی برای انجام وظایف خود و ارائه کالاها و خدمات بخش عمومی است. انضباط مالی از بُعد کلان در پیگیری دو هدف مهم خلاصه می‌شود: الف) حذف برنامه‌هایی که دارای توجیه اقتصادی و اجتماعی نیستند و تقسیم مناسب بودجه دولت بین دستگاه‌ها و مؤسسات مختلف برای اجرای برنامه‌های محوله، ب) کنترل حجم کل بودجه دولت در چارچوب درآمدهای قابل تحقق است. یکی از مهمترین عواملی که در ایجاد انضباط اقتصادی در سطح کلان مؤثر بوده، انضباط پولی است. چنانچه قدرت استقراض بخش عمومی محدود باشد و بخش عمومی اجازه نداشته باشد، که بیشتر از درآمدش در هر سال هزینه نماید، این فشارها به ایجاد بی‌انضباطی مالی در سطح کلان منجر نمی‌شود، بلکه تنها به جابه‌جایی بودجه بین برنامه‌های مختلف می‌انجامد. به طور کلی، مسائلی که باعث از بین رفتن انضباط اقتصادی در نظام پولی و بانکی یک کشور می‌شود، را می‌توان براساس وابستگی بیش از حد بانک مرکزی به دولت، عدم وجود نظام ارزیابی و نظارت مؤثر بر عملکرد شبکه بانکی، ارزش‌گذاری بیش از حد پول داخلی، اتکای بیش از حد کشور به درآمدهای ارزی حاصل از صادرات مواد خام و وجود نرخ سود تسهیلات کمتر از نرخ تورم طبقه‌بندی نمود (عظیمی، ۱۳۹۵).

۲) دیدگاه خرد که، در این دیدگاه انضباط مالی در سطح هر مؤسسه، شرکت و بنگاهی که دولتی یا تحت نظارت دولت باشد، مورد توجه و اجرا قرار می‌گیرد. انضباط مالی در سطح خرد با استفاده بهینه از بودجه، نیروی انسانی و امکانات هر دستگاه، مؤسسه، نهاد و یا شرکت دولتی که به نحوی از منابع عمومی منتفع می‌شوند، ارتباط می‌یابد. در مجموع، بازدهی یک بنگاه اقتصادی در چارچوب اهداف و وظایف آن بنگاه تعیین می‌شود. محصول یک بنگاه خصوصی معمولاً دارای قیمت بازاری است، ارزش محصول تولیدشده توسط بنگاه در هر دوره مالی قابل محاسبه است. در چنین شرایطی، انضباط مالی برای یک شرکت خصوصی در دستیابی به بهبود شرایط سوددهی با استفاده از منابع و امکانات مالی موجود تعریف می‌شود. برقراری انضباط مالی از منظر هر دو دیدگاه خرد و کلان، در مجموعه ارکان یک نظام اقتصادی از جنبه‌های گوناگون، ارزشمند و بااهمیت است و در نهایت بهبود محیط کسب و کار را در پی دارد. کارایی یک نظام اقتصادی منوط به کارایی بازارهای چهارگانه اقتصاد یعنی بازارهای کالا و خدمات، بازار کار، بازار پول و بازار سرمایه است. زیرا عملکرد هر نظام اقتصادی، برآیند کُنش متقابل و همزمان این بازارها است و سیاست‌های اقتصادی کشور عمدتاً از طریق سیاست‌های نامناسب مالی و نبود انضباط مالی باعث اختلال در این بازارها و تشدید عدم تعادل در نظام اقتصادی و کاهش رشد اقتصادی می‌شود (شقایقی، ۱۳۸۵). این پژوهش در زمره دیدگاه کلان قرار می‌گیرد و

موضوع انضباط مالی را با دیدگاه بالا به پایین دنبال کرده است. به طوری که، با توجه به شاخص های معرفی شده تلاش می کند، تأثیر بی‌انضباط مالی دولت در رشد اقتصادی برای کشور عراق را بررسی کند. در راستای بررسی موضوع تحقیق فرضیه های زیر بررسی شده است:

فرضیه اول: تأثیر حجم دولت بر بی‌انضباطی مالی دولت کشور عراق معنادار است.

فرضیه دوم: تأثیر بی‌انضباطی مالی دولت بر رشد اقتصادی کشور عراق معنادار است.

در نهایت، ساختار مقاله ابتدا مبانی نظری و پیشینه تحقیق بیان می شود و سپس، الگوی تحقیق و یافته های تحقیق و در آخر، نتایج تحقیق تبیین می گردد.

۱. مبانی نظری

۱-۲. بی‌انضباطی مالی

نگرانی ها در زمینه بی‌انضباطی مالی پس از بحران مالی سال ۲۰۰۸ به یک پارامتر اصلی تصمیم گیری در رتبه بندی اعتباری تبدیل شده است. در سپتامبر ۲۰۱۵، گزارش مؤسسه فیچ نشان داد که اصلی ترین عامل تعیین کننده در ارتقای رتبه ترکیه، انضباط مالی قوی دولت بوده است. مفهوم «بی‌انضباط مالی و فساد اداری» با دیدگاه های ایدئولوژیک، اخلاقی، فرهنگی و سیاسی درهم آمیخته شده است. پژوهش های گذشته اصطلاح «بی‌انضباطی مالی و فساد اداری» را با سوء استفاده از منابع و امکانات عمومی برای اهداف خصوصی یا منافع شخصی مرتبط می دانند. انجمن حسابداران رسمی امریکا^۱ بی‌انضباطی مالی را به عنوان «اقدام یا عدم اقدام مقامات دولتی یا متصدیان دستگاه های دولتی به منظور به دست آوردن منافع شخصی یا انجام کاری برای شخص سوم، به طریقی غیر قانونی» تعریف می کند فساد مالی - اداری سوء استفاده از قدرت در سیستم سازمان یا جامعه به نفع فردی یا نهاد و مؤسسه ای دیگر است (هیننگ^۲، ۲۰۰۳).

برخی از پژوهشگران معتقدند که بی‌انضباطی مالی و فساد اداری تنها یک مبادله اقتصادی نیست، که با انگیزه اقتصادی به موضوع دیگر در خصوص انضباط مالی، الگوی شناسایی عوامل مؤثر است. از جمله مدل های به کار رفته در پژوهش های پیشین می توان به مدل سه شاخص عوامل زمینه ای، ساختاری و محتوایی، الگوی مبتنی بر عوامل روانی و انگیزشی فردی، الگوی سه عاملی اقتصادی، فرهنگی و قانونی، الگوی عوامل ساختاری اشاره کرد (رابل و کوهلمن^۳، ۲۰۰۸).

یکی از جامع ترین دیدگاه ها در این خصوص متعلق به است. جانسیس، عوامل مؤثر بر فساد مالی را از سه مدل؛ کنشگر عقلایی، ساختاری و رابطه ای بررسی کرد، در مدل کنشگر عقلایی؛ بی‌انضباطی مالی به عنوان نتیجه تحلیل هزینه-فایده کنشگر بیان می گردد و در مدل ساختاری، بر محرک های بیرونی تعیین کننده بی‌انضباطی مالی تمرکز می شود، نهایتاً، در مدل رابطه ای، بر تعامل اجتماعی و شبکه میان کنشگران بی‌انضباطی مالی اشاره دارد. دسته ای دیگر از نظریه ها در مورد عوامل مؤثر بر انضباط مالی چهار عامل؛ ساختاری، نیروی انسانی، سبک مدیریت و منابع مالی و اعتباری معرفی نموده اند (رامدانی و یاداتی^۴، ۲۰۱۸).

۱-۱-۲. عوامل ساختاری

عوامل ساختاری سیستم ها و فرایندهای سازمانی بخش مهم و البته نامشهود سازمان هستند، که از آن به عنوان سرمایه نام برده می شود. به-عنوان یک جزء از سرمایه فکری سازمان، سرمایه ساختاری نقش مهمی در عملکرد ساختاری سازمان دارد. این دارایی سازمانی به دانش

^۱- AICPA

^۲- Hagen

^۳- Rabl and Kühlman.

^۴-Ramdany and Yadiati

نهادینه شده و سازماندهی شده در سیستم‌ها، فرایندها، پایگاه‌های داده، رویه‌ها، دستورالعمل‌ها و ... اشاره دارد، که خود شامل موارد زیر است.

۱-۱-۲. کیفیت حسابداری

یکی از عوامل مؤثر بر بی‌انضباطی مالی متأثر از عدم تبعیت بودجه‌ای، پایین بودن کیفیت اطلاعات حسابداری یا کیفیت گزارشگری مالی است. از جمله مهمترین ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری می‌توان به مواردی همانند؛ (۱) مربوط بودن، (۲) قابلیت اتکا بودن، (۳) قابلیت مقایسه بودن و (۴) قابل فهم بودن اشاره کرد (کیزو و همکاران^۱، ۲۰۱۴).

۲-۱-۲. نظام کنترل‌های داخلی

یکی از ارکان تحقق انضباط مالی نظام کنترل‌های داخلی است. کنترل داخلی ابزاری است، در اختیار حکومت برای تشخیص مدیریت مالی صحیح در دستگاه‌های اجرایی و مدیریت مالی خوب نتیجه اجرای انضباط مالی و بودجه‌ای است. کنترل‌های داخلی، فرایندی که به منظور دستیابی به سطح اطمینان معقول از اهداف؛ اثربخشی و کارایی عملیات، قابلیت اعتماد گزارش مالی و رعایت قوانین و مقررات کاربردی، توسط هیأت دولت، مدیریت و کارکنان یک مجموعه اجرا می‌شود (رامدانی و یادپاتی، ۲۰۱۸).

۳-۱-۲. شفافیت رویه‌ها

شفافیت رویه‌ها در اصطلاح، استعمال شفافیت در مورد اطلاعات، داده‌ها و رویه‌ها به معنای "آشکار بودن" و "دردسترس بودن آنها جهت بررسی و نظارت بر آنها است (ساریخانی و اکرمی سراب، ۱۳۹۲). شفافیت سازمانی، متضاد پنهان کاری است و از منظر بسیاری از محققین شفافیت پیشیناز عملکرد مؤثر سازمانی است (برگر و اوانز^۲، ۲۰۱۰). در غیاب شفافیت یا دسترسی آزادانه به اطلاعات، اقدامات نظارتی نمی‌تواند سرانجامی مطلوب داشته باشند. بنابراین، یکی از مهمترین مؤلفه‌های دستیابی به نظارت کارآمد، وجود نظام اطلاعاتی شفاف و امکان دسترسی به اطلاعات است. به منظور اشاره به دوره‌های تکامل سیاست‌های شفافیت در اقتصادهای توسعه یافته، اصطلاح نسل اول، دوم و سوم شفافیت را به کار می‌گیرند. نسل اول؛ به معنای ظهور سیاست‌های دولت باز یا حق دانستن، نسل دوم؛ قانون افشاسازی و نسل سوم؛ در معنای دولت الکترونیک است (قنبری و زمانی، ۱۳۹۶). بهبود عملکرد سامانه انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات و تکمیل آن یکی از راهبردی‌ترین اقدامات برای دستیابی به شفافیت و کارآمدی بوده است (هالپین^۳، ۲۰۱۳).

۴-۱-۲. کیفیت نظارت

بودجه کل کشور برنامه مالی دولت است که برای یک سال مالی تهیه می‌شود و چهار مرحله تهیه و تنظیم، تصویب، اجرا و نظارت دارد. اگرچه همه مراحل یادشده (تهیه، تصویب، اجرا و نظارت) اهمیت بسزایی دارند، در این میان باید به نقش نظارت در راستای کشف نقاط قوت و ضعف قانون بودجه، توجه ویژه کرد. سیستم نظارت مالی یک کشور همواره جهت رصد فعالیت‌های دولت شیوه‌های مختلف نظارتی در قالب نظارت قبل از خرج، حین خرج و بعد از خرج را به کار می‌گیرد. بنابراین، نظارت بر فعالیت‌های دولت در کشور را میتوان از سه جنبه مورد بررسی قرارداد:

(۱) نظارت توسط قوه مجریه (نظارت درونی)

(۲) نظارت توسط قوه قضائیه

(۳) نظارت توسط قوه مقننه (نظارت پارلمانی)

¹ -Kieso et al

² - Burger and Owens

³ - Halpin

عدم تمرکز قوانین محاسباتی بر گزارش‌گری و پاسخ‌گویی، عدم ایجاد پست‌های کنترلی و نظارتی در چارت سازمانی دستگاه‌های اجرایی، ضعف در تفکیک صحیح وظایف بین دستگاه‌های نظارتی، استقلال ضعیف دستگاه‌های نظارتی باعث کاهش کیفیت حسابرسی بخش دولتی و در نتیجه کاهش انضباط مالی می‌شود. تحقق انضباط مالی مستلزم حکمرانی و نظارت خوب است. نظارت و حکمرانی ناکافی منجر به سطح پائینی انضباط مالی خواهد شد (احمدی و جمشیدی، ۱۳۹۷).

۲-۴-۵. نظام بازخورد

نظام بازخورد ضعیف یکی از علل اساسی بی‌انضباطی مالی و فساداداری در دستگاه‌های دولتی یا بخش عمومی استفرصت‌های سیاسی و اقتصادی موجود در نظام‌های سیاسی مختلف، و همچنین قدرت و اثربخشی نهادهای دولتی، اجتماعی و اقتصادی، شرایطی را ایجاد می‌کند، که بی‌انضباطی مالی و فساداداری می‌تواند رشد کند. به‌طور خاص، تمرکز قدرت در نظام اجرایی و ضعف در مکانیسم ارائه بازخورد، به متولیان امور به‌ویژه مقامات ارشد و پست‌های کلیدی بیش از حد اختیار می‌دهد (جانستون^۱، ۲۰۰۵).

۲-۱-۲. عوامل انسانی

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر انضباط مالی، عوامل مربوط به سرمایه‌انسانی و نظام سرمایه‌انسانی است. از منظر سرمایه‌انسانی عوامل مؤثر بر انضباط مالی شامل موارد زیر است.

۲-۱-۲-۱. اعتماد

مطالعات متعددی روابط بین اعتماد به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگی با بی‌انضباطی مالی و فساداداری را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج مطالعات در این زمینه نشان داده است، کشورهایی که سطح بالایی از اعتماد را دارند، بی‌انضباطی مالی و فساداداری کمتری دارند. اعتماد، همکاری بین اعضای جامعه، کیفیت دولت و توسعه اقتصاد را، ترغیب و تسهیل کرده و به نوبه خود کاهش بی‌انضباطی مالی و فساداداری را در پی دارد (باباجانی، ۱۳۸۸).

۲-۲-۱-۲. امنیت شغلی

بی‌انضباطی مالی موقعیت شغلی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از طرف دیگر، هنگامی که انتظار از دست‌دادن شغل برای فرد پایین‌تر باشد، احتمال وقوع بی‌انضباطی مالی کمتر است. نظام انگیزشی مخدوش، واقعیت اساسی بسیاری از کشورهای در حال توسعه است، که از یکی از محرک‌های فساد است. بر اساس رویکرد هزینه - فایده افراد در هر پست و مقامی، همواره کنش‌های خود را بر مبنای معیار هزینه - فایده تحلیل می‌کنند و اصولاً زمانی تن به اقدام می‌دهند، که منافع حاصل از آن بر هزینه‌هایش بیشتر باشد. بی‌انضباطی مالی به‌مثابه اقدامی غیرقانونی، در بردارنده هزینه‌هایی برای افرادی است، که به آن مبادرت می‌ورزند. یکی از عوامل تعیین‌کننده این هزینه‌ها کیفیت فرصت‌های شغلی در بازار آزاد است (نافارین^۲، ۲۰۰۷).

۲-۲-۳. شایستگی استخدامی

از نظر پیامدهای سیاست، مطالعات تصمیم‌گیری اخلاقی بر اهمیت مدیریت منابع انسانی تأکید دارند. به‌طور خاص، فرایند استخدام باید تعیین شود، تا افراد با سطح بالایی از پیشرفته‌ای اخلاقی شناختی را انتخاب کنند، به‌ویژه برای موقعیت‌هایی که تصمیم‌گیری اخلاقی بخش مهمی از کار است. برنامه‌های آموزش اخلاقی می‌تواند، به‌منظور توسعه آگاهی اخلاقی در سطح فردی اجرا شود. ناکارآمدی نظام گزینش و گمارش مدیران از عوامل بروز بی‌انضباطی و فساد مالی است (دادگر و نظری، ۱۳۸۸).

۲-۱-۲-۴. سطح حقوق و دستمزد

^۱ Johnston

^۲ Nafarin

در بررسی علل بی‌انضباطی مالی و فساداداری، سطح حقوق کارمندان می‌تواند نقش مهمی نیز ایفا کند. باتوجه به مدل توسعه‌یافته، دستمزد بالاتر با بی‌انضباطی مالی و فساداداری کمتر در بررسی ارتباط بین سطح حقوق و دستمزد کارکنان دولت و سطح همراه خواهد بود، نشان‌دهنده تأثیر سطح حقوق و دستمزد بر فساداداری و مالی است (موکان^۱، ۲۰۰۸).

۲-۱-۲-۵- عدالت در پرداخت‌ها

ناکارآمدی نظام پرداخت و دیگر نظام‌های مدیریت منابع انسانی از جمله عوامل مؤثر بر فساد مالی است. بنابراین، هرچه تبعیض‌ها، شکاف و فاصله طبقاتی بین کارکنان و مدیران افزایش می‌یابد، بی‌انضباطی، تخلف و فساد مالی در دولت نیز افزایش می‌یابد (دادگر و نظری، ۱۳۸۸).

۲-۱-۲-۶- شایسته‌سالاری

تأثیر شایستگی ابتدای استخدام بر سطح بی‌انضباطی مالی و فساداداری رابطه‌ی معکوس وجود دارد. بنابراین، استخدام باتوجه به شایسته‌سالاری میزان فساداداری و بی‌انضباطی مالی را کاهش می‌دهد (کریمی‌پور و مهدوی، ۱۳۹۷).

۲-۱-۲-۷- منصفانه بودن سیستم پاداش و تنبیه

بی‌انضباطی مالی برای کارمندان دولت فرصت افزایش دریافتی‌ها، پاداش و مزایای در سطحی بالاتر از قانون فراهم می‌نماید. از طرفی، احساس بی‌عدالت اجتماعی در نگرش و ذهنیات کارکنان موجب می‌شود که اعتقاد به نظام اجتماعی (وجدان جمعی) کاهش یابد و به عبارت دیگر، کنترل روانی افراد بر رفتار خود کم شود، که نقش مهمی در آلوده شدن کارکنان به فساد مالی دارد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۴).

۲-۱-۲-۳- سبک مدیریت

شایستگی و آگاهی مدیران، آشنایی با قوانین و مقررات، سبک ارتباطی و میزان تفویض اختیار مدیران از عوامل مؤثر بر انضباط مالی است. ضعف مدیران در هدایت و رهبری، تخصیص منابع و امکانات و سازماندهی مهمترین عوامل مؤثر بر فساد مالی است. همچنین قانون‌گریزی مدیران را یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر فساد مالی است. عدم ثبات مدیریتی و اعطای اختیارات بیش از حد و قدرت زیاد و سوءاستفاده از آن، از عوامل گسترش بی‌انضباطی و فساد مالی است. بنابراین، سیاست‌مداران و مدیران ناکارآمد یکی از مهمترین عوامل بروز بی‌انضباطی مالی هستند (شراهی و گرگر، ۱۳۹۴).

۲-۱-۲-۴- منابع مالی و اعتباری

دریافت و پرداخت اعتبارات به‌موقع، مبادله صحیح و به‌موقع موافقتنامه‌های بودجه، ساماندهی امور بانکی و پرداخت متمرکز به کارکنان مثل اضافه کار، مأموریت و تناسبات اعتبارات با مأموریت از عوامل مؤثر بر انضباط مالی در سطح است. عمل کردن به بودجه مصوب، رعایت قوانین و مقررات در استفاده از بودجه عمومی و سایر منابع تأمین اعتبار، هماهنگ بودن هزینه‌ها با درآمدها و سرمایه‌گذاری‌ها، تثبیت نظام مالی عمومی کارآمد و مؤثر در جامعه از دیگر عوامل مؤثر بر انضباط مالی است (عجم اوغلو^۲، ۲۰۱۱).

۲-۲- کسری بودجه

موضوع کسری بودجه از دهه ۱۹۸۰ در ادبیات اقتصادی مطرح شده است. این دوره‌ای است که در ایالات متحده، کسری بودجه به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت. ظهور این پدیده بسیاری از اقتصاددانان را بر آن داشته است، تا برخلاف کینز که بخش عمومی را برقرارکننده توازن می‌داند، از آن به‌عنوان عامل ایجادکننده عدم توازن کلان اقتصادی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه یاد کنند، چرا که در کشورهای در حال توسعه، مشکلات خاصی هم‌چون بدهی‌های خارجی، تورم بسیار بالا، مشکلات ترازپرداخت‌ها، وجود بازارهای موازی ارزش‌ها و وقوع

^۱-Mocan.

^۲- Acemoglu

شوکی-های مختلف خارجی وجود دارد. در مورد آثار کسری بودجه بر سایر متغیرهای اقتصادی (در بخش‌های داخلی و خارجی) دو دیدگاه کینزی و برابری ریکاردویی شکل گرفته‌اند، که این دو دیدگاه از جهات مختلفی با یکدیگر اختلاف نظر دارند.

در نظریه کینزی، سیاست مالی، عنصر کلیدی در فرضیه کسری بودجه است. مطابق نظریه کینزی، سیاست‌های مالی تنها از طریق تأثیر بر درآمد قابل تصرف بر مصرف بخش خصوصی اثر می‌گذارد. بر طبق این نظریه، با کاهش مالیات‌ها (سیاست‌های انبساطی مالی) که از طریق بدهی عمومی تأمین مالی شود، پس‌انداز ملی با افزایش درآمد قابل تصرف و افزایش مصرف خصوصی کاهش می‌یابد. کاهش پس‌انداز برای انجام سرمایه‌گذاری، به درجه بازبودن اقتصاد برای نقل و انتقالات سرمایه بستگی دارد. در کشورهایی که در ارتباط با انتقالات سرمایه بسته هستند، سرمایه‌گذاری به همان نسبتی که پس‌انداز کاهش یافته است، تنزل می‌یابد، زیرا امکان استقراض از خارج وجود ندارد. لذا با توسعه بخش‌های مالی، سرمایه‌گذاری داخلی معمولاً با افزایش نرخ‌های بهره داخلی کاهش می‌یابد. در اقتصادهایی که در مورد انتقال سرمایه محدودیتی وجود ندارد، با ورود اعتبارات خارجی، ممکن است افزایش نرخ‌های بهره مشاهده شود و لذا سرمایه‌گذاری بدون تغییر باقی بماند. در این زمینه کاهش در پس‌انداز ملی، با افزایش در کسری حساب جاری متناظر است، که منجر به کسری‌های همزمان حساب جاری و مالی می‌شود. لذا، در نظریه کینزی، آثار قوی و قابل پیش‌بینی کاهش مالیات، پرداخت‌های انتقالی و افزایش-مخارج دولتی را تأکید دارد (دادگر و نظری، ۱۳۸۸).

اما، در دیدگاه ریکاردو، انتقال بین دوره‌ای بین مالیات‌ها و کسری بودجه بر نرخ‌های واقعی اثر ندارند و در نتیجه سرمایه‌گذاری و تراز حساب جاری تغییری نمی‌کنند. از نظر ریکاردو، توانایی تأمین مالی دولت معتقد است که، تأمین مالی دولت بر سطح تقاضای کل و در نتیجه بر حساب جاری اثر می‌گذارد. بنابراین، با معلوم بودن مسیر بودجه، جانشینی بدهی عمومی به جای مالیات‌ها، اثری بر تقاضای کل یا نرخ بهره ندارد. چرا که، کاهش مالیات در زمان حال به معنای افزایش آن در آینده است. لذا، استقراض‌ها دولت تنها مالیات را به آینده موکول می‌کند و مصرف‌کنندگان که مالیات‌دهندگان هستند، افزایش مالیات در آینده را پیش‌بینی می‌کنند و در نتیجه محدودیت بودجه بین دوره‌ای مصرف‌کنندگان توسط تصمیمات تأمین مالی دولت و همچنین مصرف نیز بدون تغییر می‌ماند و افزایش درآمد قابل تصرف ناشی از کاهش مالیات، به طور کامل پس‌انداز می‌شود. مطابق دیدگاه برابری ریکاردویی، مصرف‌کنندگان نسبت به کاهش مالیات با افزایش پس‌اندازشان واکنش نشان می‌دهند و این افزایش پس‌انداز خصوصی با خرید اوراق قرضه انتشار یافته توسط دولت به کار گرفته می‌شود و مصرف‌کنندگان را قادر می‌کند، تا بتوانند افزایش آتی مالیات را پرداخت کنند. منطق اصلی ریکاردویی این است، که کسری تنها با به تعویق انداختن مالیات‌ها می‌انجامد. این منطق در بی‌تفاوتی بی‌پرداخت یک دلار مالیات در دوره جاری و پرداخت یک دلار به علاوه بهره در دوره آینده، نتیجه می‌شود. در دیدگاه ریکاردویی فرض می‌شود، که فرد عقلایی و دوراندیش است. چون زمان‌بندی مالیات‌ها، درآمد دائمی فرد یا قید بودجه زندگی را تغییر نمی‌دهد، تغییر در زمان‌بندی مالیات‌ها نمی‌تواند، تصمیمات مصرفی فرد را تغییر دهد (گوزالو^۱ و همکاران، ۲۰۱۷).

۲. پیشینه پژوهش

کانالی و همکاران^۲ (۲۰۲۱)، در مقاله‌ای با عنوان بازارهای مالی و بی‌انضباطی مالی در منطقه یورو به بررسی وجود رابطه مبادله‌ای بین اعتماد بازار مالی و پویایی بودجه دولت ملی در منطقه یورو است. با مقایسه دو شاخص، فرضیه وجود محدودیت بین سوآپ‌های نکول اعتباری و کسری‌های عمومی از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۴ مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج این نتیجه را تأیید می‌کند، که در دوره بحران یورو، انضباط مالی با کاهش اعتماد همراه بود و بالعکس. همچنین برآوردها نشان می‌دهد ناتوانی بازارهای مالی در نشان دادن رفتار منسجم، نیازمند اقدامات سیاستی مشترک در منطقه یورو است.

^۱- Gonzalo et al

^۲ Canali et al

اولانی^۱ (۲۰۲۰)، در مقاله‌ای به بررسی بی‌انضباطی مالی، توسعه مالی و رشد اقتصادی در نیجریه در دوره ۱۹۸۰-۲۰۱۷ با استفاده از روش ARDL پرداخته است. نتایج مبین این است که، عدم قطعیت سیاستی، فساد و کسری بودجه در کوتاه مدت و بلندمدت رابطه منفی معناداری با توسعه مالی و رشد اقتصادی دارند. سطوح بالاتر از عدم اطمینان، فساد و کسری‌های بودجه منجر به کاهش سطح توسعه مالی و رشد اقتصادی شده و به عبارت دیگر، سیاست‌های مالی، توسعه مالی را از بین می‌برد. بنابراین، سیاست‌های مالی ناپایدار اثرات مخربی بر توسعه مالی و رشد اقتصادی در بلندمدت دارند و اصلاحات بودجه رابطه مثبت معناداری دارد با توسعه مالی و رشد اقتصادی در بلندمدت دارند و نیز، توسعه مالی با رشد اقتصادی در کوتاه مدت و بلندمدت رابطه مثبت معناداری دارد که نشان می‌دهد.

الحسیناوی^۲ (۲۰۲۰)، تأثیر ابزارهای سیاست مالی در کاهش کسری بودجه عمومی عراق در شرایط بحران اقتصادی ناشی از کاهش قیمت جهانی نفت و حملات تروریستی داعش بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ بررسی نموده است. این مقاله به تحلیل نقش و اهمیت این سیاست پرداخته است. بلحاظ این که، بودجه دولت عراق بیشتر متکی به درآمد حاصل از فروش نفت خام است، بنابراین، کاهش قیمت نفت به طور قابل-توجهی بر درآمد و همچنین هزینه‌های عمومی تأثیر گذاشته است. علاوه بر این، هزینه‌های نظامی به دلیل نیاز به مقابله با تهاجم داعش افزایش یافت و باعث عدم تعادل در سیاست‌ها و رویه‌های تحمیلی صندوق بین‌المللی پول (IMF) شده است. مشخص گردید که، روش‌های افزایش درآمد‌های عمومی دولت با رعایت قوانین مالی تحمیل شده توسط صندوق بین‌المللی پول به منظور کاهش کسری بودجه دولت مهم است.

المولوی^۳ (۲۰۱۹)، در مقاله‌ای با عنوان گسترش حقوق و دستمزد عمومی در عراق پرداخته است. از سال ۲۰۰۳ بدون کنترل و متناسب با ثروت نفتی حقوق و دستمزد کارکنان دولتی افزایش یافته است. با وجود منابع محدود جایگزین برای درآمد دولت، رشد بودجه دولتی و بی‌انضباطی در این حیطه، این سوال مطرح می‌شود که، این روند بی‌انضباطی مالی تا چه مدت ادامه می‌یابد. برای این اساس تجزیه و تحلیل گزارش‌های دردسترس عموم و اسناد دولتی منتشر نشده و با مصاحبه با مقامات بغداد، میزان افزایش هزینه‌های مربوط به حقوق‌های بخش دولتی را کمی می‌کند و جنبه‌هایی از تخصیص بودجه دولت را روشن می‌کند. از نظر درجه شفافیت، این مقاله بر روند هزینه‌ها در وزارتخانه‌های کلیدی و شرکت‌های دولتی تمرکز دارد و توصیه‌هایی درباره نحوه کاهش هزینه‌ها از طریق مسئولیت‌پذیری بیشتر و سرمایه‌گذاری بلندمدت در اقدامات اصلاحی ارائه می‌کند که می‌تواند به رویکردی قوی‌تر برای مدیریت اقتصاد کشور عراق منجر شود.

سلگی و قهرائی^۱ (۱۴۰۱)، در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی تأثیر عوامل سازمانی بر انضباط مالی در بخش دولتی با استفاده از راهبرد نمونه‌گیری هدفمند و روش نمونه‌گیری نظری، تعداد ۱۲ نفر از جامعه آماری مدیران سازمان حسابرسی، جامعه حسابداران رسمی و سازمان بازرسی کل کشور انتخاب شده و به وسیله پرسش‌نامه الکترونیکی اطلاعات تحقیق جمع‌آوری شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن بوده، که مؤلفه‌های منابع مالی و اعتباری، ساختار و سبک مدیریت، بر انضباط مالی تأثیر مثبت و معناداری دارند. همچنین شاخص‌های دریافت اعتبارات به صورت منظم و زمان‌بندی شده، عدم وجود محدودیت‌های مالی، کیفیت کنترل‌های مدیریتی، وجود شرح وظایف مدون و دقیق، اصلاحات فرایندی و جدیت در برخورد با تخلف‌ها بیشترین تأثیر بر انضباط مالی را داشته‌اند.

سبحانیان و رجب‌پور^۱ (۱۴۰۱)، در مقاله‌ای تحت عنوان آسیب‌شناسی اثر ساختار بودجه دولت بر تولید ملی؛ با تأکید بر بودجه سال ۱۴۰۰ کشور به صورت تجربی لایحه بودجه ۱۴۰۰ را بررسی نموده است. نتایج حاکی از آن بوده، که سازوکارهای تأثیر ترمیم بودجه بر ساختار تولید اختصاص داشته، به طور مشخص در بودجه سال ۱۴۰۰، روش‌های ترمیم کسری تراز عملیاتی در قالب شش روش بیش‌برآوردی درآمدهای نفتی، برداشت از صندوق توسعه ملی، واگذاری شرکت‌های دولتی در قالب «رد دیون»، واگذاری شرکت‌ها در قالب سهام صندوق‌های مبادله‌پذیر (ETF)، واگذاری دارایی‌های دولت و انتشار اوراق مالی شناسایی شده است.

1 Olaniyi

2- Alhusseinawi

3 Al-Mawlawi

کریمی پور و مهدوی (۱۳۹۷)، اثر بی‌انضباطی مالی و فساد مالی بر ترکیب مخارج دولت در ۹۴ کشور منتخب در حال توسعه برای سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۳۸۶ با استفاده روش پنل پرداخته‌اند. نتایج حاکی از این بود که، فساد مالی ترکیب مخارج دولت را به‌طور معناداری تحت تأثیر قرار م‌دهد، به‌طوری که، در پی انضباط مالی و کاهش فساد مالی، سهم نسبی مخارج جاری، مخارج سرمایه‌انسانی و مخارج آموزشی و بهداشتی در تولید ناخالص داخلی افزایش می‌یابد.

به‌لحاظ این که، کشور عراق یکی از کشورهای مهم صادرکننده نفت و نقش این درآمد در اداره‌ی این کشور مهم و مبحث رعایت انضباط مالی (جلوگیری از بی‌انضباطی مالی) در بودجه عمومی و رشد اقتصادی عراق اهمیت بسیاری دارد. بنابراین، در این پژوهش به بررسی تأثیر انضباط مالی دولت در رشد اقتصادی عراق پرداخته شده است.

۴. روش پژوهش

روش تحقیق از نوع همبستگی علی و مبتنی بر تحلیل داده‌های سری زمانی می‌باشد. هدف از انجام این پژوهش ارائه یک الگوی اقتصاد کلان با در نظر گرفتن شرایط عراق است. بر این اساس، در این پژوهش برای بررسی فرضیه پژوهش، در ابتدا بر اساس اصول مدل‌سازی، یک مدل که مبین ساختار اقتصادی کشور عراق بوده است، طراحی شده و از روش MIMIC استفاده شده است. روش گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای، اسنادی و پایگاه‌های اطلاعاتی در اینترنت بوده است. مدل تحقیق در قلمروی مکانی عراق در بازه ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۱ با استفاده از روش ARDL تخمین زده شده است.

مدل علل چندگانه شاخص‌های چندگانه MIMIC، رابطه میان متغیر پنهان "اندازه بی‌انضباطی مالی" و متغیرهای قابل مشاهده را از طریق روابط میان متغیرهای قابل مشاهده، با استفاده از اطلاعات کوواریانس شان آزمون می‌کند. مدل MIMIC شامل دو بخش می‌شود: مدل ساختاری و مدل اندازه‌گیری معادله اندازه‌گیری به صورت رابطه زیر می‌باشد:

$$y_t = \lambda \eta t + \varepsilon_t \quad (1)$$

که در آن؛ $y_t' = (y_{1t}, y_{2t}, \dots, y_{pt})'$ ، یک بردار از شاخص‌ها و ηt ، متغیر غیرقابل مشاهده است. اما، در رابطه (۲)، مدل ساختاری متغیر غیرقابل مشاهده ηt را با یک مجموعه علل برونزا $x_t' = (x_{1t}, x_{2t}, \dots, x_{qt})'$ تعیین می‌کند، و در معرض یک عبارت خطای اخلال ساختاری ζ_t ، قرار دارد. معادله ساختاری به صورت زیر تعیین می‌شود:

$$\eta t = \gamma' x_t + \zeta_t \quad (2)$$

از جایگزینی رابطه (۲) در رابطه (۱) یک معادله فرم خلاصه شده، رابطه (۳)، به دست می‌آید، که روابط بین املل و شاخص‌های مشاهده شده را بیان می‌کند.

$$y_t = \pi x_t + z_t \quad (3)$$

که در آن؛ $\pi = \lambda \gamma'$ ، ماتریس ضریب فرم خلاصه شده و $z_t = \lambda \zeta_t + \varepsilon_t$ ، بردار فرم خلاصه شده از تبدیل خطی اخلال‌ها است. بنابراین، ماتریس فرم خلاصه شده Ω ، در رابطه (۴)، به صورت زیر تعیین می‌شود؛

$$\Omega = cov(z_t) = E[(\lambda \zeta_t + \varepsilon_t)(\lambda \zeta_t + \varepsilon_t)] = \lambda \psi \lambda' + \theta_t \quad (4)$$

در رابطه (۴)، $\psi = var(\varepsilon_t)$ ، بیانگر واریانس ε_t ، بوده و $\theta_t = E(\varepsilon_t \varepsilon_t')$ ، ماتریس کوواریانس خطای اندازه‌گیری است (ریمی‌کین^۱ و همکاران، ۲۰۱۷).

۴-۱. تصریح مدل

¹-Remeikiene et al

در این پژوهش براساس مدل MIMIC، شاخص بی انضباطی مالی دولت عراق (ηt) با توجه به متغیرهای اثرگذار بر بی انضباطی مالی دولت (xt) برآورد می شود. سپس شاخص بی انضباطی مالی بررسی شده در رابطه ی (۲)، در برآورد اثر این شاخص بر رشد اقتصادی عراق، در رابطه ی (۱) تصریح می شود.

$$Dep_t = \rho_0 + \rho_1 oil_t + \rho_2 tax_t + \rho_3 inf_t + \rho_4 gs_t + \varphi_t \quad (5)$$

$$gr_t = \tau_0 + \tau_1 Dep_t + \epsilon_t \quad (6)$$

بنابراین، در رابطه ی (۵)، نسبت کسری بودجه دولت به تولید ناخالص داخلی، به عنوان، شاخص بی انضباطی مالی (Dep_t)، درآمد نفتی (oil_t)، درآمد مالیاتی (tax_t)، نرخ تورم (inf_t) و نسبت مخارج کل دولت به تولید ناخالص داخلی، به عنوان، حجم دولت (gs_t) هستند (کانالی و همکاران، ۲۰۲۱). در رابطه ی (۶)، که در روش MIMIC معادله ساختاری نامیده می شود، متغیرها عبارت از؛ شاخص بی انضباطی مالی (Dep_t) و متغیر رشد اقتصادی (gr_t) هستند (ریمیکن و همکاران، ۲۰۱۷). بر اساس تخمین رابطه های (۵) و (۶)، فرضیه اول و دوم تحقیق آزمون می شود.^۱

۵. یافته های پژوهش

قبل از تخمین مدل لازم است، جهت جلوگیری از مشکل رگرسیون کاذب بررسی مانایی متغیرهای تحقیق صورت پذیرد. براین اساس، با توجه به آزمون هگی به جزء متغیر درآمد مالیاتی و تورم سایر متغیرهای در سطح مانا هستند. با توجه نتایج آزمون مانایی متغیرهای تحقیق، رابطه های (۵) و (۶) با توجه به مبحث نامانایی بعضی از متغیرهای و مبانی تئوریک از روش ARDL تخمین زده می شوند.

۲-۵. برآورد تاثیر بی انضباطی مالی دولت در رشد اقتصادی عراق

با توجه به اینکه حتما باید در تخمین مدل های تحقیق فروض کلاسیک مدنظر قرار گیرد تا نتایج تحقیق برای تفسیر فرضیات تحقیق قابل استناد باشد. براین اساس، ابتدا، در جدول های (۱) و (۲)، به ترتیب؛ نتایج تخمین مدل کوتاه مدت تاثیر حجم دولت بر بی انضباطی مالی دولت کشور عراق و مدل کوتاه مدت تاثیر بی انضباطی مالی دولت بر رشد اقتصادی کشور عراق با آزمون های تشخیصی بیان شده، سپس، در مرحله بعد نتایج روابط بلندمدت متغیرهای تحقیق بیان شده است.

۲-۵-۱. برآورد مدل های کوتاه مدت تحقیق

۲-۵-۱-۱. برآورد مدل کوتاه مدت تاثیر حجم دولت بر بی انضباطی مالی دولت کشور عراق

با توجه به نتایج جدول (۱)، آزمون های تشخیصی (عدم خود همبستگی، شکل تبعی صحیح، نرمال بودن خطای پسماند و واریانس ناهمسانی) برقراری فروض کلاسیک تایید و نیز با وجود ضریب تعیین ۹۳ درصد و آماره F قدرت توضیح دهندگی بالای مدل تایید می شود.

جدول (۱) نتایج برآورد مدل کوتاه مدت تاثیر حجم دولت بر بی انضباطی مالی دولت کشور عراق

متغیرها	ضریب	سطح معنی داری	متغیرها	ضریب	سطح معنی داری
LDep(-1)	۱/۲۵۳(۱۰/۰۶۵)	معنی دار است	LTax(-1)	-۱۱/۹۲۲(-۲/۸۲۳)	معنی دار است
LDep(-2)	-۰/۶۷۷(-۵/۷۷۱)	معنی دار است	LInf	۰/۰۶۲(۱/۶۲۳)	بی معنی است
LGs	۱/۷۹۲(۲/۸۶۲)	معنی دار است	LInf(-1)	-۰/۰۳۶(-۰/۹۳۷)	بی معنی است
LOil	۰/۷۳۴(۲/۵۷۳)	معنی دار است	C	۷/۶۰۳(۰/۹۱۷)	بی معنی است
LTax	-۱۱/۵۲۱(-۲/۷۱۲)	معنی دار است			
Functional Form= ۰/۶۲(۰/۴۵)			F(prob)=۷۳/۸۹(۰/۰۰۰)		
Normality= ۰/۷۷(۰/۶۸)			D.W=۱/۹۴		
			R ² =۰/۹۳		

^۱ - با توجه به تحقیق بوراک، ۲۰۱۷، از میان سه شاخص، نسبت کسری بودجه دولت به تولید ناخالص داخلی برای شاخص انضباط مالی دولت انتخاب شده است.

^۲ - کلیه متغیرها به صورت لگاریتمی محاسبه می شوند.

Serial correlation LM=۰/۲۸(۰/۶۲) Heteroscedasticity=۰/۱۶(۰/۳۶) ARDL(2,0,0,1,1)

ماخذ: محاسبات پژوهش - مقادیر داخل پرانتز معرف آماره t است.

از طرفی، به لحاظ کم‌تر بودن مشاهدات تحقیق از ۱۰۰ مشاهده از معیار شوازر- بیزین برای تعیین وقفه‌های بهینه مدل استفاده شده که تعداد وقفه‌های بهینه متغیرهای تحقیق برابر با $ARDL(2,0,0,1,1)$ است. میزان معنی دار بودن ضرایب در جدول (۱)، کاملاً تفسیر شده است. بر این اساس، بی‌انضباط مالی دولت در کشور عراق تا دو وقفه بر بی‌انضباط مالی دولت اثر گذار است. حجم دولت، درآمد نفتی و نرخ تورم با وجود اثر مثبت و معنی دار بر بی‌انضباطی مالی، آن را افزایش می‌دهند. تاثیر درآمدهای مالیاتی تا دو وقفه بر بی‌انضباط مالی دولت منفی و معنی دار است.

۵-۲-۱-۲. برآورد مدل کوتاه مدت تاثیر بی‌انضباطی مالی دولت بر رشد اقتصادی کشور عراق

باتوجه به نتایج جدول (۲)، آزمون‌های تشخیصی (عدم خودهمبستگی، شکل تبعی صحیح، نرمال بودن خطای پسماند و واریانس ناهمسانی) برقراری فروض کلاسیک تایید و نیز با وجود ضریب تعیین ۹۱ درصد و آماره F قدرت توضیح دهنده بالایی مدل تایید می‌شود.

جدول (۲) نتایج برآورد مدل کوتاه مدت تاثیر بی‌انضباط مالی دولت بر رشد اقتصادی کشور عراق

متغیرها	ضریب	سطح معنی داری	متغیرها	ضریب	سطح معنی داری
LGr(-1)	۱/۴۶۹(۱۳/۰۱۹)	معنی دار است	LDept(-1)	-۲/۴۷۱(-۳/۱۹۹)	معنی دار است
LGr(-2)	۰/۵۸۵(۴/۷۷۹)	معنی دار است	C	-۱۰/۲۱۳(-۳/۲۶۱)	معنی دار است
LDept	-۱/۳۶۶(-۱/۸۲۷)	معنی دار است			
Functional Form= ۰/۶۷(۰/۴۳)			F(prob)=۱۱۹/۹(۰/۰۰۰)		
Normality= ۴/۲۸۹(۰/۱۲)			D.W=۱/۹۳		
Serial correlation LM=۱/۱۵۹(۰/۳۲)			Heteroscedasticity=۳/۱۱۶(۰/۵۴)		
ARDL(2, 1)			R ² =۰/۹۱		

ماخذ: محاسبات پژوهش - مقادیر داخل پرانتز معرف آماره t است.

بنابراین، به لحاظ کم‌تر بودن مشاهدات تحقیق از ۱۰۰ مشاهده از معیار شوازر- بیزین برای تعیین وقفه‌های بهینه مدل استفاده شده که تعداد وقفه‌های بهینه متغیرهای تحقیق برابر با $ARDL(2,1)$ است. رشد اقتصادی کشور عراق تا دو وقفه بر رشد اقتصادی اثر مثبت و معنی داری دارد. با وجود ارتباط منفی و معنی دار بین شاخص بی‌انضباطی مالی دولت بر رشد اقتصادی، بی‌انضباطی مالی دولت سبب کاهش رشد اقتصادی می‌شود.

۵-۲-۲. برآورد مدل‌های بلندمدت تحقیق

باتوجه به نتایج آماره F در آزمون کرانه‌ها در دو مدل تحقیق که به ترتیب برابر با ۵/۱۱۴ و ۷/۸۶۹ که بیشتر از حد بالایی تخمین‌ها است.

جدول (۳) نتایج برآورد مدل‌های بلندمدت تحقیق

تاثیر حجم دولت بر بی‌انضباطی مالی دولت کشور عراق			تاثیر تاثیر بی‌انضباط مالی دولت بر رشد اقتصادی کشور عراق		
متغیر	ضریب	سطح اطمینان	متغیر	ضریب	سطح اطمینان
LInf	۰/۰۶۲(۲/۳۶۹)	[۰/۰۱۷] معنی دار است	LDep	-۲/۵۳(-۱۳/۰۱۵)	[۰/۰۰۰] معنی دار است
LOil	۱/۷۷(۳/۰۳۲)	[۰/۰۰۴۲] معنی دار است			
LTa	-۰/۹۴(-۲/۹۸۹)	[۰/۰۲۳] معنی دار است			

		C		X
	۰/۸۴۶(۱/۳۶۲)		۴/۲۳(۳/۰۳۹)	LGs
۰/۰۴۶ [معنی دار است]			۱۷/۸۹(۰/۹۱۷)	C
			۰/۰۴۱ [معنی دار است]	
			۰/۳۶۴ [بی معنی است]	

ماخذ: محاسبات پژوهش - مقادیر داخل پرانتز معرف آماره‌ی t و داخل کروشه معرف سطح احتمال است.

بنابراین، فرضیه صفر مبنی بر صفر بودن ضرایب بلندمدت تحقیق رد شده و می‌توان برای هر دو مدل تحقیق تخمین بلندمدت محاسبه نمود. در جدول (۳)، نتایج برآورد اثرات متغیرهای تحقیق برای دو مدل بلندمدت از روش ARDL با وقفه‌های که توسط شوارز-بیزین در سیستم مشخص شده بود، بیان شده است. رابطه‌ی بلندمدت بین نرخ تورم (LInf)، درآمد نفتی (LOil) و حجم دولت (LGs) با بی‌انضباطی مالی دولت مثبت و معنی‌دار است، ولی ارتباط بین درآمد مالیاتی با بی‌انضباطی مالی دولت منفی و معنی‌دار می‌باشد. رابطه‌ی بلندمدت بین بی‌انضباطی مالی - دولت (LDept) با رشد اقتصادی منفی و معنی‌دار است.

۳-۲-۵. برآورد الگوی تصحیح خطا مدل‌های تحقیق

پس از بررسی روابط بلندمدت متغیرهای تحقیق، به بررسی سرعت تعدیل از الگوی تصحیح خطا (ECM) پرداخته شده و با توجه به این که، ضرایب تصحیح خطا معنی‌دار، منفی، کوچکتر از یک بودند، قدرمطلق ضریب تصحیح خطا معرف وجود رابطه بلندمدت و معنی‌دار بین متغیرهای مدل تحقیق است. نتایج در جدول (۴)، ضریب تصحیح خطا برای دو مدل تحقیق به ترتیب، عبارتند از: ۰/۴۲۵- و ۰/۰۱- است. بنابراین، تخمین مدل‌های در بلندمدت همگرا است.

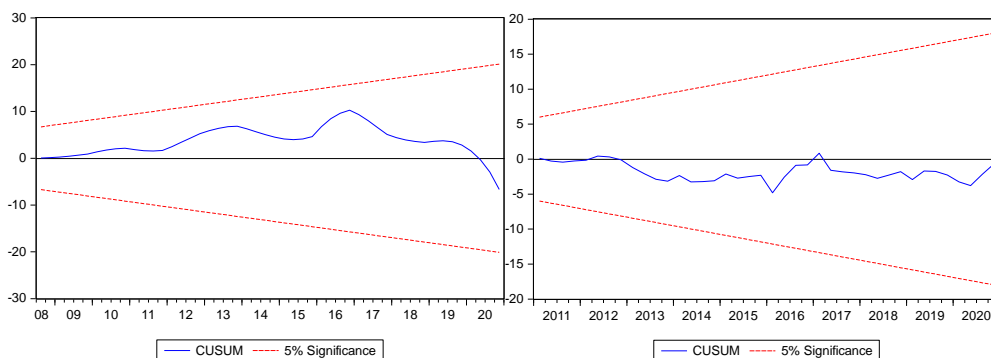
جدول (۴) نتایج تصحیح خطا مدل‌های تحقیق

متغیر	مدل
	تأثیر حجم دولت بر بی‌انضباطی مالی دولت کشور
	عراق
	۰/۴۲۵(۰/۰۰۷)-
	تأثیر بی‌انضباط مالی دولت بر رشد اقتصادی کشور
	عراق
	۰/۰۱(۰/۰۸)-
ECM(-1)	

ماخذ: محاسبات پژوهش - مقادیر داخل پرانتز معرف احتمال معنی‌داری متغیر تحقیق است.

۴-۲-۵. برآورد الگوی تصحیح خطا مدل‌های تحقیق

پایداری ضرایب با آزمون CUSUM بررسی می‌شود که، نتایج آزمون معرف آن است که ضرایب مدل برآورد شده طی دوره مورد بررسی پایدار است. همانطور که، نتایج تخمین و نمودارهای پسماند تجمعی و مجذور در نمودار (۱)، نشان می‌دهند، فاصله اعتماد ۹۵ درصد توسط نمودارهای قطع نشده است. بنابراین، فرضیه صفر مبنی بر وجود ثبات ساختاری پذیرفته و وجود عدم آن رد می‌شود.



نمودار (۱)، نتایج آزمون ثبات ساختاری با روش محاسبه آماره پسماند تجمعی

ماخذ: محاسبات پژوهش

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در این مطالعه به بررسی تأثیر بی‌انضباطی مالی دولت در رشد اقتصادی عراق در قالب دو فرضیه پرداخته شده است. با استفاده از مدل MIMIC، مدل‌های تحقیق برای تفسیر فرضیه‌های تحقیق استخراج و با استفاده از روش ARDL در قلمروی مکانی عراق در بازه ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۰ تخمین زده شده است. باتوجه به نتایج تحقیق آزمون فرضیه‌های به صورت زیر است؛

مطابق فرضیه اول، مبنی بر، تأثیر حجم دولت بر بی‌انضباطی مالی دولت کشور عراق، نتایج تخمین مدل در کوتاه‌مدت و بلندمدت اثر مثبت و معنی‌داری مابین حجم دولت و بی‌انضباطی مالی دولت را بیان می‌نمایند و بدین لحاظ، تأثیر حجم دولت بر بی‌انضباطی مالی دولت موثر و فرضیه اول تحقیق تایید می‌گردد. این نتیجه با نتایج مطالعات بوراک (۲۰۱۷)، عظیمی (۱۳۹۵)، کریمی پور و مهدوی (۱۳۹۷)، الحسیناوی (۲۰۲۰)، ال-مولوی (۲۰۱۹) همخوانی دارد

اما، در فرضیه دوم، به بررسی تأثیر بی‌انضباطی مالی دولت بر رشد اقتصادی کشور عراق پرداخته شده، نتایج مدل در کوتاه‌مدت و بلندمدت اثر منفی و معنی‌داری مابین بی‌انضباطی مالی دولت و رشد اقتصادی را بیان می‌نمایند و بدین لحاظ، تأثیر بی‌انضباطی مالی دولت بر رشد کاهنده و موثر است، بنابراین فرضیه دوم تحقیق تایید می‌گردد. این نتیجه با نتایج مطالعات کانالی و همکاران (۲۰۲۱)، دادگر و نظری (۱۳۸۸)، گونزالو و همکاران (۲۰۱۷)، ریمکین و همکاران (۲۰۱۷)، الحسیناوی (۲۰۲۰) و هگن (۲۰۰۳) مطابقت دارد. باتوجه به نتایج تحقیق پیشنهاد می‌شود که؛

۱- به لحاظ این که درآمدهای مالیاتی بیشترین تأثیر را روی انضباط مالی کشور عراق داشته است. بنابراین، برای بازسازی سیستم مالیاتی

کشور عراق از روش‌های بهینه و کارآمد به روز استفاده گردد.

۲- از مهم‌ترین عوامل در انضباط مالی دولت‌ها، شفاف‌سازی در مخارج دولت، کنترل و نظارت بر اجرای قوانین و مقررات است.

بنابراین پیشنهاد می‌شود کشور عراق سیستم‌های به روزی را برای گزارش دهی اجزای بودجه و شفافیت اجزای مخارج خود تدارک ببیند.

۳- کوچک کردن دولت (حجم دولت) تا حد ممکن و تقویت بخش خصوصی از راهکارهای دیگری است که به انضباط مالی دولت عراق کمک می‌کند. از این رو پیشنهاد می‌شود این کشور در برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی خود به تقویت بخش خصوصی توجه ویژه‌ای داشته باشد.

منابع

- باباجانی، جعفر. ۱۳۸۸. کتاب حسابداری و کنترل‌های مالی دولتی. انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی. تهران. چاپ هفدهم.
- بولو، قاسم، سیدی، سیدجلال، قاضی‌نوری، سروش، برزیده، فرخ (۱۴۰۰). "بررسی عوامل مؤثر بر گرایش حساب‌برسان داخلی به گزارش‌دهی اقدامات خطا کارانه در ایران". *نشریه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*. ۲۸(۴). ۵۷۴-۵۹۷.
- حیدری، حنیفه. محمدی، مجید و نجفی، فریبا. (۱۳۹۴). "عوامل مؤثر بر فساد اداری با تأکید بر ایران". *کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران: مرکز همایش‌های بین‌المللی صداوسیما*.
- دادگر، یدالله و نظری، روح‌الله. (۱۳۸۸). "بررسی شاخص فساد مالی در ایران و کشورهای برگزیده جهان". *اطلاعات سیاسی اقتصادی*، شماره ۲۶۴.
- ساریخانی، عادل و اکرمی‌شراب، روح‌اله. (۱۳۹۲). "کارکردهای پیشگیرانه شفافیت در سیاست جنایی". *فصلنامه حقوقی دادگستری*. ۷۷(۸۲). ۹۲-۱۱۶.
- سبحانیان، هادی و رجب‌پور، حسین (۱۴۰۱)، آسیب‌شناسی اثر ساختار بودجه دولت بر توان تولید ملی؛ با تأکید بر بودجه سال ۱۴۰۰ کل کشور، *فصلنامه پژوهش‌های برنامه و توسعه*، (۲) ۱۰، ۷۵-۱۰۶.
- سلگی، محمد و قهرائی، احسان (۱۴۰۱)، "بررسی تاثیر عوامل سازمانی بر انضباط مالی در بخش دولتی"، *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۹(۳)، ۴۷۵-۵۰۳.
- شراهی، محمدرضا و گرکز، منصور. (۱۳۹۴). "جایگاه و نقش انضباط مالی بر رشد و توسعه اقتصادی، فرهنگی با رویکرد کاهش مفاسد اداری و مالی". *چهارمین کنفرانس مالی حسابداری، مدیریت مالی و سرمایه‌گذاری، دانشگاه آزاد اسلامی آزادشهر*.
- شقاقی، سحر. (۱۳۸۶). "انضباط مالی کاهش هزینه‌های و افزایش کارایی منابع". *مجله برنامه اقتصادی*. (۱) ۱۹۲. ۱۸-۱۶.
- عظیمی، سعید. (۱۳۹۵). *عوامل مؤثر بر بی‌انضباطی مالی: مطالعه موردی ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اقتصادی. دانشگاه علامه محدث نوری.
- قبری جهرمی، محمدجعفر و زمانی، محمدعلی. (۱۳۹۶). "رویکرد سازمان تجارت جهانی نسبت به اصل شفافیت". *فصلنامه تحقیقات حقوقی*. ۷۹(۱). ۲۷۵-۲۹۹.
- کریمی‌پور، عیسی و مهدوی، غلام‌حسین. (۱۳۹۷). "شناسایی عوامل مؤثر بر فساد مالی کارکنان دولت از دیدگاه حساب‌برسان دیوان محاسبات استان‌های فارس و کرمان". *حسابداری دولتی*، (۱) ۴، ۷۳-۸۶.
- مرامی، احمد و محمدی، رحمت‌اله. (۱۳۹۴). "بررسی عوامل تأثیرگذار بر افزایش هزینه‌های دستگاه‌های اجرایی"، *دومین همایش بین‌المللی مدیریت و فرهنگ توسعه*.
- یزدانه‌هر، رحیم و کشاورزی، یوسف. (۱۳۹۶). "بررسی تأثیر رویکرد مالی تعهدی بر انضباط مالی دانشگاه علوم پزشکی فارس". *اولین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین ایران و جهان در مدیریت، اقتصاد و حسابداری و علوم انسانی*. شیراز.
- Acemoglu, D. (2011). "Politics and Economics in Weak and Strong States". *Journal of Monetary Economics*, 52, 1199-1226.
- Alhuseinawi, Latfe. (2020). "The Impact Of Financial Policy Tools In Reducing The Deficit Of The General Budget," *European Journal of Accounting, Finance & Business*.13(23). 1-9.
- Al-Mawlawi, Ali (2019). "Public payroll expansion in Iraq: causes and consequences," *LSE Research Online Documents on Economics* 102576.
- Burak, P (2017). "A Comparative Analysis Of Fiscal Rules And Independent Fiscal Agencies", *Journal of Economics and Administrative Sciences* , 19(2), 1-12.
- Burger, R. & Owens T (2010). "Promoting Transparency in the NGO Sector: Examining the Availability and Reliability of Self- Reported Data". *World Development*, 38(9), 1263- 1277.

- Canale, Rosaria Rita; De Simone, Elina and Spagnolo, Nicola (2021). "Financial markets and fiscal discipline in the Eurozone". <https://doi.org/10.1016/j.strueco.2021.07.003> Get rights and content.
- Gale, G. William; Orszag, R. Peter. April (2003). "The Economic Effects of Long-Term Fiscal Discipline". *The Urban Institute*.
- Gonzalo, F.; Cordoba, D.; Pau, S.; and L.T. Jose (2017). "Fiscal discipline and defaults", *Journal of Review of Economic Dynamics*, 24(1), 1-13.
- Hagen, J. V. (2003). "Fiscal Discipline and Growth in Euro-land, Experiences with the Stability and Growth Pact", *Center for European Integration Studies*, Working Paper
- Halpin, E.F. (2013). "Digital Public Administration and E-Government in Developing Nations: Policy and Practice", London: *Information Science*.
- Johnston, M. (2005). "Syndromes of Corruption: Wealth, Power, and Democracy". Cambridge University Press, Cambridge.
- Kieso, D. E., Weygandt, J. J., & Warfield, T. D. 2014. "Intermediate accounting", 2nd. John Wiley & Sons.
- Mocan, N. (2008). "What determines corruption? International evidence from micro data. *Economic Inquiry*". 46(1). 493-510.
- Nafarin, M. (2007). "Penganggaran Perusahaan", 3rd. Salemba Empat.
- Olaniyi, Evans (2020). "Fiscal Discipline, Financial Development & Economic Growth in Nigeria". Online at <https://mpa.ub.uni-muenchen.de/99242/> MPRA Paper No. 99242.
- Rabl, T., & Kühlmann, T. M. (2008). "Understanding corruption in organizations—development and empirical assessment of an action model". *Journal of business ethics*, 82(2), 477-495.
- Ramdany, O., Yadiati W. (2018). "Budgetary discipline & factors that influence it: study case in ministries of Indonesia". *Risk Governance and Control: Financial Markets & Institutions*. 8(1). 49- 58.
- Remeikiene, R., Gaspareniene, L., & Schneider, F. (2017). "The Definition of Digital Shadow Economy". *Technological and Economic Development of Economy*. Published online.



Haider Ubais Hassan Al Masoudi¹, Maryam Emamimibody^{*2}

Abstract:

Financial discipline and how to spend the budget at the macro level of the country is one of the concepts that is very important in macro financial issues. This is especially important in oil countries. In most researches, financial discipline has been examined. However, in this research, an attempt has been made to examine the research hypotheses with a new perspective from the perspective of investigating the government's financial indiscipline. Based on this, the main goal of this research is to evaluate the factors affecting the financial indiscipline of the government and also the impact of the financial indiscipline of the government on the economic growth of Iraq during the period from 2005 to 2021, which is used to estimate research models using the auto-regression method with a break. (ARDL) has been used. The results of the research indicate that the effect of the size of the government on the fiscal indiscipline of the Iraqi government is positive and significant, therefore, reducing the size of the government can reduce the fiscal indiscipline of the government. On the other hand, the short-term and long-term results of the estimation of the research model show that there is a negative and significant relationship between government fiscal indiscipline and economic growth. Therefore, for stability in continuous growth, the financial indiscipline of the government must be curbed. It is better, considering the effect of reducing tax revenues compared to oil revenues on the financial indiscipline of the government and paying attention to the dynamic growth in Iraq, Iraq's economic development programs should be planned based on expanding the use of tax revenue sources and reducing the size of the government.

Key words: financial indiscipline, economic growth, government budget.

JEL Classification: *O₄₇, O₂₁, H₆₈, H₁₂*.

¹ - MA of Economics, Department of Economic, Isfahan(Khorasgan) Branch , Islamic Azad University, Isfahan, Iran. stuid39917520958027@khuisf.ac.ir

² - Assistant Professor, Department of Accounting, Shahinshahr Branch, Islamic Azad University, , Shahinshahr, Iran. m.emami@shaiu.ac.ir